

تحلیل و مقایسه نیت کارآفرینانه دانشجویان دانشکده کشاورزی بوعلی سینا و پیام نور استان همدان

*صفی‌اله صفایی *نسیم ایزدی ***مریم موسیوند

*استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

**دانش آموخته دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

***دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نیت کارآفرینانه در بین دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا و دانشگاه پیام‌نور همدان و در چارچوب کلی پژوهش‌های پیمایشی به انجام رسیده است. نمونه آماری این تحقیق را تعداد ۳۷۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر رشته‌های کشاورزی در مقطع تحصیلی کارشناسی دانشکده کشاورزی تشکیل دادند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از ابزار پرسشنامه و برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ به منظور تشخیص پایایی پرسشنامه برای نیت کارآفرینی دانشجویان ۰/۸۵ محاسبه گردید که ضریب اعتبار مناسبی می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات، از دو روش آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که در مجموع دانشجویان مورد مطالعه از روحیه و نیت کارآفرینی بالایی برخوردارند البته نیت کارآفرینی در دانشجویان پسر بیشتر می‌باشد. بعلاوه نتایج حاصل از تحلیل همبستگی نیز نشان داد بین متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال دانشجویان، ریسک‌پذیری و موانع اقتصادی میزان درآمد و میزان علاقه با نیت کارآفرینی آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری دیده می‌شود و نیز اختلاف معناداری از نظر نیت کارآفرینانه بین دانشگاه‌های مورد مطالعه وجود داشت.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، نیت کارآفرینانه، ریسک‌پذیری، همدان.

نوع مقاله: پژوهشی

۱-مقدمه

آمار بر می‌آید بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ نرخ رشد متوسط سالانه ی دانشجویان رشته‌های دانشگاهی ۴۰ درصد بوده است (مداح، ۱۳۸۷). این روند در دهه بعد نیز ادامه داشته و متأسفانه شیوع بیکاری در بین دانش‌آموختگان کشاورزی بیش از دیگر رشته‌هاست. برآوردها نشان می‌دهد که نیاز بازار کار کشاورزی سالانه حداکثر ۱۱۰ هزار نفر دانش‌آموخته از رشته‌های کشاورزی است. در حالی که ۲۳۰ هزار نفر هرساله از رشته‌های کشاورزی در دانشگاه‌های

امروزه بیکاری یکی از چالش‌های جدی کشور است. و در بین دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها رشد بیش تری دارد، به گونه‌ای که نرخ بیکاری کل کشور در سال ۹۴، ۱۲/۸ درصد بوده که این نرخ برای دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکزهای آموزش عالی از ۱۸/۵ درصد و برای بیسوادان ۹ درصد بوده است. نرخ بیکاری نسبت به سال قبل ۴ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). یعنی عرضه نیروی کار دانش‌آموخته بر تقاضای آن پیشی گرفته است، آن‌گونه که از

کشور فارغ التحصیل می‌شوند و بر این اساس هر ساله حدود ۲۵ تا ۵۲ درصد از دانش‌آموختگان این بخش بیکار می‌مانند (وطن خواه و رضایی مقدم، ۱۳۹۴). همچنین نرخ بیکاری بین ۱۴۷ هزار نفر دانش‌آموخته بخش کشاورزی ۲۸ درصد گزارش شده، این نرخ بیکاری به نوبه خود در بین کل دانش‌آموختگان دانشگاهی کشور بالاترین و دو برابر نرخ بیکاری در بین توده‌های بیکار دیگر در کل کشور بوده است (شهبازی و علی بیگی، ۱۳۸۵؛ آقاسی زاده، ۱۳۸۵؛ علی بیگی و زرافشانی، ۲۰۰۶). آنان علاوه بر این که با فرصت‌های شغلی بسیار محدود در اداره‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی روبه‌رو هستند، از سرمایه و امکانات مالی چندانی برای آغاز کار، و پیشه جدید و سرمایه‌گذاری مرتبط با رشته تحصیلی خود برخوردار نمی‌باشند. برخی کارشناسان معتقدند عملکرد دانشگاه در تعلیم دانش‌آموختگان برای ورود به جامعه مطلوب نبوده است و دانش‌آموختگان برای ایجاد شغل و کار آفرینی، مهارت‌های ضروری را ندارند (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۵؛ دی لاهارپ، ۲۰۰۰؛ آقاسی‌زاده، ۱۳۸۵؛ زمانی، ۱۳۸۰؛ حسینی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶). ورمال (۲۰۰۳) ریسک‌پذیری، میزان تجربه و پیشینه فرد در زمینه کارهای گروهی را از عامل‌های موثر بر گرایش فرد به کار آفرینی می‌داند. او هم چنین معتقد است فردگرایی و عدم مسئولیت‌پذیری از عامل‌های تأثیرگذار بر گسترش کار آفرینی است. کشاورزی به دلیل برخورداری از رشد مستمر و پایدار اقتصادی، تأمین امنیت غذایی، بازدهی سرمایه، ارزآوری، ارزبری کم و ایجاد عدالت اجتماعی در قیاس با سایر بخش‌های اقتصادی کشور از قابلیت‌های خاصی برخوردار است، به نحوی که می‌تواند نقش بسیار بارزی در عرصه اقتصادی کشور داشته باشد. این بخش نقش حیاتی را در اقتصاد ایران بر عهده دارد، زیرا حدود ۱۱ درصد تولید ناخالص ملی، ۲۳ درصد اشتغال و تأمین غذای بیش از ۸۰ درصد جامعه را پوشش می‌دهد (جمشیدی فر و همکاران، ۱۳۸۹). این در حالی است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، آموزش منابع انسانی در کشاورزی از اولویت بالایی در برنامه‌های توسعه برخوردار نیست. نتیجه اینکه، برنامه‌های آموزشی لزوماً با نیازهای بازار و تقاضای اشتغال بخش کشاورزی انطباق ندارد. لذا،

رشد بحران اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وضعیت ناپه‌نجاری را در سال‌های اخیر بوجود آورده است. به گونه‌ای که امکان جذب همه دانش‌آموختگان کشاورزی از سوی بخش دولتی که در گذشته معمول بود، دیگر وجود ندارد و دانش‌آموختگان این بخش برای ورود به عرصه اشتغال با مشکلات جدی مواجه‌اند. از طرفی نظام‌های رایج آموزش کشاورزی، قادر به پاسخگویی تقاضای روزافزون نیروی انسانی بخش خصوصی نیستند. این امر بدان دلیل است که آموزش عالی در ایران از ابعاد مختلف بویژه از نظر کمی پیشرفت چشمگیری داشته است. اما پیشرفت بیشتر در آموزش عالی عمومی بوده است و برای کشوری با جمعیت بسیار جوان مانند ایران نسبتاً ناکافی بوده است. اغلب دانشکده‌ها فقط آموزش را در گستره رسالت خویش بدون هیچ برنامه و تمهیداتی به منظور تزریق اندیشه کار آفرینی و ارزش آفرینی فراگیران در دستور کار خود قرار می‌دهند و فقط شاید رسالت خویش را منحصراً آموزش بدانند و کمتر برنامه‌هایی با دورنمای کار آفرینی داشته باشند و نتیجه آن هزاران دانش‌آموخته‌ای می‌شود که کمترین نشانه نوآوری و اندیشه آفرینی در آنان وجود ندارد و همواره بی‌جوی کار و اشتغال در هر زمینه‌ای، ولو بی‌ارتباط با نوع تخصص و رشته تحصیلی خود هستند. لذا همواره شاهد موج وسیعی از بیکاران و کارجویان بی‌مهارت یا کم‌مهارتی هستیم که محصول ماشین آموزشی هستند که صرفاً دارای یک خط تولید، آن هم خط تولید نظری است (حسینی لرگانی و همکاران، ۱۳۸۷). این در حالی است که دانشگاه‌ها با استفاده از آموزش کار آفرینی می‌توانند به‌عنوان نهادی باشد که نیست دانشجویان را برای راه‌اندازی کسب و کار جدید تقویت کند (موسیوند و همکاران، ۱۳۹۶؛ علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶ الف). دانشگاه‌ها از طریق ترویج کار آفرینی و آموزش کار آفرینی می‌توانند دانشجویان را به سمت بروز رفتار کار آفرینی ترغیب کنند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ آراستی و سعید بنادکی، ۱۳۹۲؛ مردانشاهی و همکاران، ۱۳۹۳؛ موسیوند و همکاران، ۱۳۹۶).

اکنون کاملاً واضح است که «کار آفرینی» یا حتی جزییات مربوط به آن را می‌توان آموزش داد. متخصصان و فعالان آموزش کسب و کار این افسانه را شکل داده‌اند که فرد، دانش

مسئولیت، اشتغال ذهنی نسبت به فرصت، مدارا نسبت به خطر، ابهام و عدم قطعیت، اتکا به خود، خلاقیت و انعطاف پذیری، تمایل به بازخورد فوری، سطح بالای انرژی، انگیزش نسبت به ممتاز شدن، جهت گیری نسبت به آینده، تمایل به یادگیری از طریق نقائص و خطاها، و توانایی رهبری (تیمونس^۴، ۱۹۹۰).

در دو دهه گذشته ضرورت کارآفرینی و توسعه آن به ویژه آموزش کارآفرینی بیش از پیش مشهود گردیده و این امر موجب افزایش تلاش‌ها برای توسعه کارآفرینی و آموزش آن شده است. در این راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهمترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی و از قوه به فعل درآوردن آن، بروز روحیه کارآفرینی و نیت کارآفرینانه در افراد از طریق آموزش می‌باشد. پرورش روحیه کارآفرینی در افراد غیرکارآفرین از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹). پژوهش‌های بسیاری نیز ثابت کرده‌اند که نیت کارآفرینانه یکی از زیربناهای اصلی رفتار کارآفرینی می‌باشد (کاتونن^۵ و همکاران، ۲۰۱۵؛ دو و دادوری^۶، ۲۰۱۷؛ بارباسانشز و آتینزا ساهوکویلو^۷، ۲۰۱۸). هنلی (۲۰۰۷)، بیان کرد که کارآفرینی فرآیندی ارادی و از روی قصد است که تعداد زیادی از آن نیت حداقل یک سال قبل از ایجاد سرمایه گذاری جدید تشکیل شده اند. از این رو مطالعات بسیاری در زمینه کارآفرینی و روحیات دانشجویان صورت گرفت است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

۲- پیشینه پژوهش

یافته‌های پژوهش جمشیدی فر و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که ۳۸ درصد از دانشجویان به دلایلی از جمله نبود سرمایه یا نبود مهارت‌های لازم برای کسب و کار تمایلی به کارآفرینی ندارند. همچنین نتایج تحلیل مدل لوجیت نشان داد که متغیرهای سن، سطح تحصیلات، دریافت وام، موانع اقتصادی، سابقه فعالیت، درآمد، کسب مهارت‌های لازم و ریسک‌پذیری از عوامل مؤثر برای انگیزه کارآفرینی در

مربوط به کارآفرینی را کسب نمی‌کند بلکه مادرزاد کارآفرین متولد می‌شود (علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵ الف؛ موسیوند و همکاران، ۱۳۹۵). «پیتر دراگر» که امروزه به عنوان یکی از متفکران تأثیرگذار در زمینه مدیریت محسوب می‌شود، می‌گوید: مقوله کارآفرینی چیز عجیب و غریبی نیست. حتی جادو هم نیست و نمی‌توان آن را چیزی مرموز دانست. این دانش تنها یک مقوله منظم و منسجم است که هیچ ارتباطی به مسائل ارثی و مادرزادی ندارد. دانشی است که مانند تمام علوم مدون دیگر می‌توان آن را فرا گرفت و آموخت (علی-آبادی و همکاران، ۱۳۹۵ ب؛ علی میری، ۱۳۸۷).

با شروع دهه ۱۹۸۰ (دهه‌ی کارآفرینی) موجی از مقالات و آثار در کشورهای توسعه یافته، در راستای تمرکز بر ویژگی‌ها و خصیصه‌های شخصیتی کارآفرینان، این پرسش را مطرح ساختند که «آیا شما از جوهره لازم برای کارآفرین شدن برخوردار هستید؟» این آثار در واقع در پی آن بودند تا ویژگی‌های مهم کارآفرینان را توصیف کنند. برخی از صاحب‌نظران نیز آزمون‌هایی را به منظور ارزیابی از خود^۱ جهت تعیین قابلیت‌های افراد در زمینه کارآفرین شدن طراحی کردند (مسعودنیا، ۱۳۸۶؛ علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶ ب).

فرهنگ لغت «وبستر» کارآفرین را کسی می‌داند که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند. (میرزا محمدی و همکاران، ۱۳۸۷). کارآفرین شخص است، در حالی که کارآفرینی یک فرآیند است. کارآفرینی فرآیند خلاق در استفاده از منابع و سازماندهی آن‌ها برای نیازهای اشخاص است (جارویس^۲ و همکاران، ۱۹۹۱). نتایج تحقیق دونلن و همکاران، ۲۰۱۴ نشان داد که در آموزش کارآفرینی باید به هویت‌ساختاری کارآفرینی بعنوان یک هدف مهم برای توسعه دانش و مهارت کارآفرینی توجه شود (دونلن^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). تیمونز در ۱۹۹۰ با ترکیب نتایج مطالعات مکرر خود راجع به ویژگی‌های شخصی کارآفرین، دوازده ویژگی را برمی‌شمارد: تعهد و عزم راسخ، اشتیاق نسبت به

4. Timmons

5. Kautonen

6. Do and Dadvari

7. Barba-Sánchez and Atienza-Sahuquillo

1. Self-evaluative

2. Jarvis

3. Donnellon

دانشجویان بودند که از بین این متغیرها سن و موانع اقتصادی اثر معنی‌دار منفی و بقیه متغیرها اثر معنی‌دار مثبت داشتند. شریف زاده و زمانی در سال ۱۳۸۵ در بررسی روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی دانشگاه شیراز به مطالعه چهار خصیصه توفیق طلبی، رقابتمندی، قدرت طلبی و ریسک پذیری پرداختند. با توجه به یافته‌های تحقیق، بین دانشجویان سال دوم و چهارم، هم‌چنین دانشجویان دختر و پسر از نظر سطح روحیه کارآفرینی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در تحقیقی که توسط خسروی پور و همکاران (۱۳۸۸) از دیدگاه دانش‌آموختگان صورت گرفت، نتایج تحلیل عاملی نشان داد که، عوامل مؤثر بر نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تقویت کارآفرینی در دانشجویان را می‌توان در ۷ عامل روش‌های آموزشی، محتوای آموزشی، امکانات و تجهیزات، عوامل فردی، مهارت‌های آموزشگران، ویژگی‌های دانشجویان و عوامل محیطی دسته‌بندی نمود. رگرسیون گام به گام نشان داد که از عوامل فوق‌الذکر عوامل محیطی وارد معادله نشد و بقیه ۶ عامل توانستند ۶۲/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین نمایند. ضمن اینکه بر اساس تحلیل رگرسیون مهمترین عامل مؤثر نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تقویت کارآفرینی در دانشجویان، مهارت‌های آموزشگران ارزیابی شد. نتایج پژوهش موحدی و همکاران (۱۳۸۹) بیانگر آن است که بین جنسیت، سن، مقطع تحصیلی و گرایش تحصیلی دانشجویان کشاورزی و میزان روحیه کارآفرینی آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ و تنها بین اشتغال دانشجویان و روحیه کارآفرینی آنان ارتباط معنی‌دار وجود دارد. بدین مفهوم که دانشجویانی که به غیر از تحصیل به کار دیگری اشتغال دارند دارای روحیه کارآفرینی بالاتری هستند. بر اساس این عوامل و سایر عوامل از جمله مسائل محیط زیست و تغییرات سریع دانش و فناوری، ایجاد تغییر در نظام فعلی آموزش کشاورزی امری ضروری به نظر می‌رسد (خسروی پور و همکاران، ۱۳۸۸). لذا برای برطرف کردن این معضل نیاز به برنامه‌ریزی درست و هماهنگ است. با توجه به روند رو به افزایش افراد تحصیل کرده از یک سو و مشکلات اجتماعی- اقتصادی دولت از سوی دیگر، در طول سال‌های گذشته مسأله کارآفرینی اهمیت ویژه‌ای

یافته‌است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸). در این زمینه اعتقاد بر این است که توجه و تأکید بر خوداشتغالی از طریق کسب و کارهای کوچک یکی از راه‌حل‌های بسیار مهم است. آموزش کارآفرینی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تغییر دیدگاه‌های دانشجویان در جهت خوداشتغالی و کارآفرینی ایفا کند و آن‌ها را برای اشتغال در بازار کار آماده کند (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۵). بنابراین کارآفرینی یکی از بهترین راه‌های استفاده از این نیروهای تحصیل کرده است تا با تکیه بر مهارت‌های آموزشی خود به ایجاد کسب و کار بپردازند. قاسمی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی که در مورد بررسی عوامل تاثیرگذار در روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی انجام دادند، به این نتایج دست یافتند که بین متغیرهای سن، عامل روانشناختی، عامل آموزشی و دانشگاهی رابطه مثبت و معنی‌داری با ایجاد روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان وجود دارد. در تحلیل رگرسیونی گام به گام نیز متغیرهای عامل روانشناختی، عامل آموزشی و دانشگاهی و سن به ترتیب ۶۳/۵ درصد از واریانس را تبیین نمودند. نتایج حاصل از مقایسه میانگین‌ها نیز نشان داد بین دانشجویان با وضعیت تاهل، ثبت اختراع، نوع اشتغال، تحصیلات پدر و سازمان محل خدمت مختلف از نظر روحیه کارآفرینی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحقیق حسینی و عزیزی (۱۳۸۶) حاکی از آن است که بین سطح تحصیلات مادر، درآمد ماهیانه خانواده، و محتوای برنامه آموزشی دانشگاه با روحیه کارآفرینی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین بین سن، سطح تحصیلات پدر، درآمد ماهیانه خانواده، بکارگیری روش‌های توسعه آموزش کارآفرینی و روحیه با مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری آشکارگشته است. با مقایسه میانگین گروه‌ها مشخص گردید که بین میانگین رتبه‌ای دختران و پسران دانشجویان در خصوص روحیه کارآفرینی، مهارت کارآفرینی افراد متأهل و مجرد اختلاف معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین شغل پدر در مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان و شغل مادر بر روحیه کارآفرینی آنان تاثیر داشته است. نتایج حاصل از رگرسیون مبین این بوده است که متغیرهای بکارگیری روش‌های توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه، درآمد ماهیانه خانواده، سن، روحیه

دانشجویان را ینی می‌کند. (حسینی و عزیز، ۱۳۸۶). نتایج نظرسنجی از ۲۸۴۳ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران نشان داد، در حدود ۲۱ درصد دارای ویژگی‌های کارآفرینی هستند. میانگین امتیاز کلی دانشجویانی که دارای ویژگی کارآفرینی بودند، برابر ۳۹/۶۷ و برای دانشجویان غیر کارآفرین برابر با ۲۹/۸۹ بود که با حداقل میانگین قابل قبول (۳۷ امتیاز) تفاوت فاحشی را دارد. از سوی دیگر، مقایسه هر یک از ویژگی‌های پنجگانه کارآفرینی نشان می‌دهد که ویژگی عزم و اراده (با میانگین ۷/۸) در مقایسه با سایر خصیصه‌ها بیشتر در نزد دانشجویان این دانشگاه ملاحظه می‌شود. امتیاز ویژگی‌های توفیق طلبی، استقلال طلبی، خطرپذیری و خلاقیت دانشجویان، فاصله کمی با حداقل امتیاز قابل قبول دارند. (زالی و همکاران، ۱۳۸۶).

نتایج مطالعه‌ای در دانشگاه شهید چمران اهواز نشان داد که بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت با کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد (برومند نسب، ۱۳۸۱). در مطالعه‌ای در دانشگاه اصفهان در رابطه با بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان، نتایج نشان داد که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین و نمرات ریسک‌پذیری از متوسط نمره معیار پایین‌تر است. همچنین آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مؤثر نبوده است (بدری و همکاران، ۱۳۸۵). در مطالعه دیگری که در دانشگاه پیام نور اراک به انجام رسید همان نتایج مطالعه بالا به دست آمد. محقق می‌نویسد قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه‌ی پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین و نمره‌ی ریسک‌پذیری آنان از میانگین پایین‌تر بوده است و همچنین آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مؤثر نبوده است (غفاری، ۱۳۸۷). در تحقیقی در دانشگاه سمنان نیز نتایج نشان داد که بین دانشکده‌های مختلف از نظر نمره ویژگی‌های شخصیتی (ریسک‌پذیری، کانون کنترل، نیاز به موفقیت، سلامت فکری، عملگرایی، تحمل ابهام، رؤیا پردازی و چالش طلبی) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بر اساس

کارآفرینی و سطح تحصیلات پدر ۲۶ درصد از تغییرات مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان را پیش بینی می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای برنامه آموزشی دانشگاه و سطح تحصیلات مادر ۰/۰۵ از تغییرات روحیه کارآفرینی دانشجویان را پیش بینی می‌کند. مروری بر مطالعه صادقی و عدلی (۱۳۸۹) نشان داد که بین جو نظام آموزش عالی با پرورش نیت کارآفرینی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، و آینده‌نگری دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در مطالعه‌ای که به منظور بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با تمایل به کارآفرینی در بین زنان شاغل در سازمان‌ها و ادارات دولتی شهر شیراز به انجام رسید نتایج نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی زنان با تمایل آن‌ها به کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰). غیائی (۱۳۹۵) نقش میانجی‌گری نگرش کارآفرینی در رابطه باور به خودکارآمدی و قصد کارآفرینی را تأیید نموده است.

در تحقیقی که به بررسی ارتباط بین عملکرد سازمانی و مهارت‌های کارآفرینی مدیران محلی روستایی در استان قزوین به انجام رسید نتایج نشان داد که مهارت کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه در حد متوسط (۳/۲۴) است. همچنین بین مهارت‌های کارآفرینی و عملکرد دهیاری‌ها، سطح تحصیلات، میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در دوره‌های آموزشی دهیاران، درآمد کارآفرین و خانواده او و نیز میزان تعامل با نهادها و سازمان‌های مرتبط، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۹۰).

در مطالعه‌ای با عنوان «میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان در عرصه‌ی نشریات و مطبوعات شهر تهران»، نتایج نشان داد که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش مهارت‌های فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۳). مطالعه صورت گرفته در بین دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران نشان داد که متغیرهای به کارگیری روش‌های توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه، درآمد ماهیانه خانواده، سن، روحیه کارآفرینی و سطح تحصیلات پدر ۲۶ درصد از تغییرات مهارت‌های کارآفرینی

کارآفرین، در مجموع این امکان فراهم می‌شود که از آن، به شکل یک چارچوب مناسب برای اندازه‌گیری اثر مؤلفه‌های روانشناختی بر نیت و رفتار کارآفرینانه در آموزش عالی بهره گرفت. تی‌شیکوهی و شامبر^{۱۰} (۲۰۱۵) پیرامون قصد کارآفرینانه دانشجویان در دانشگاه‌های آفریقای جنوبی و عوامل موثر بر آن نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین نگرش‌های شخصی و سطح یادگیری و دانش کارآفرینانه با قصد دانشجویان برای کارآفرین شدن وجود داشت. آمبد و دمیت^{۱۱} (۲۰۱۶) در پژوهش خود در بین دانشجویان نتیجه گرفتند که نگرش فردی، پی‌هی (۲۰۰۹)، اظهار داشت که از دو طریق می‌توان کارآفرینی را اندازه‌گیری کرد. اولاً کارآفرینی واقعی که دلالت بر افرادی دارد که به طور واقعی کسب و کاری را آغاز کرده‌اند و دوماً، کارآفرینی پنهان و یا همان قصد کارآفرینانه که دلالت بر افرادی دارد که قصد آغاز کسب و کاری را دارند. نیت خود تابعی از نگرش نسبت به عمل، هنجارهای ذهنی و باور به خودکارآمدی است و در شکل-گیری رفتار نهایی نقش بسزایی دارد (آیزن^{۱۲}، ۱۹۹۱). نیت کارآفرینی را می‌توان عاملی مؤثر بر رفتار کارآفرینانه یا تصمیم برای کارآفرین بودن قلمداد کرد (موریانو و گورجیویسکی^{۱۳}، ۲۰۰۷). آنچه که واضح و مبرهن است این که با بهره‌گیری از مدل‌های مبتنی بر نیت به عنوان ابزار مناسب برای توضیح و تفسیر شکل‌گیری نیت کارآفرینانه و رفتار کارآفرین، در مجموع این امکان فراهم می‌شود که از آن، به شکل یک چارچوب مناسب برای اندازه‌گیری اثر مؤلفه‌های روانشناختی بر نیت و رفتار کارآفرینانه در آموزش عالی بهره گرفت. تی‌شیکوهی و شامبر^{۱۴} (۲۰۱۵) پیرامون قصد کارآفرینانه دانشجویان در دانشگاه‌های آفریقای جنوبی و عوامل موثر بر آن نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین نگرش‌های شخصی و سطح یادگیری و دانش کارآفرینانه با قصد دانشجویان برای کارآفرین شدن وجود

نتایج تحقیق نمره نهایی دانشجویان دانشکده دامپزشکی در دامنه ضعیف قرار دارد، همچنین هیچ کدام از دانشکده‌ها نمره کارآفرینی بسیار قوی را به دست نیاوردند (فیض و صفایی، ۱۳۸۸). نتایج تحقیق در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران نشان داد که در بین متغیرهای مربوط به عوامل روانشناختی تأثیرگذار بر روحیه کارآفرینی به ترتیب سخت کوشی و تلاش مداوم، اعتماد به نفس و خودباوری و آینده‌نگر بودن دارای بیشترین تأثیر و حمایت مادی و معنوی از طرف خانواده، توان ایجاد انگیزه در دیگران و تجربه فردی دارای کمترین تأثیر در ایجاد روحیه کارآفرینی بوده است. به منظور واکاوی تأثیر مؤلفه‌های روانشناختی بر میزان رفتار کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی، از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. برای این منظور متغیرهای روان شناختی شامل؛ روحیه‌ی توفیق طلبی، اراده، کنترل درونی، ریسک‌پذیری، استقلال طلبی و خلاقیت به عنوان متغیرهای مستقل در مدل وارد شدند و تأثیر آن‌ها بر دو متغیر نیت و رفتار مورد بررسی قرار گرفت. ذکر این نکته ضروری است که محققان برای تدوین مدل پژوهش، از مدل رفتار برنامه‌ریزی شده آژن استفاده نمودند (قاسمی و اسدی، ۱۳۸۸).

پی‌هی (۲۰۰۹)، اظهار داشت که از دو طریق می‌توان کارآفرینی را اندازه‌گیری کرد. اولاً کارآفرینی واقعی که دلالت بر افرادی دارد که به طور واقعی کسب و کاری را آغاز کرده‌اند و دوماً، کارآفرینی پنهان و یا همان قصد کارآفرینانه که دلالت بر افرادی دارد که قصد آغاز کسب و کاری را دارند. نیت خود تابعی از نگرش نسبت به عمل، هنجارهای ذهنی و باور به خودکارآمدی است و در شکل‌گیری رفتار نهایی نقش بسزایی دارد (آیزن^۸، ۱۹۹۱). نیت کارآفرینی را می‌توان عاملی مؤثر بر رفتار کارآفرینانه یا تصمیم برای کارآفرین بودن قلمداد کرد (موریانو و گورجیویسکی^۹، ۲۰۰۷). آنچه که واضح و مبرهن است این که با بهره‌گیری از مدل‌های مبتنی بر نیت به عنوان ابزار مناسب برای توضیح و تفسیر شکل‌گیری نیت کارآفرینانه و رفتار

¹⁰ . Tshikovhi and Shambare

¹¹ . Ambad and Damit

¹² . Ajzen

¹³ . Moriano and Gorgievski

¹⁴ . Tshikovhi and Shambare

⁸ . Ajzen

⁹ . Moriano and Gorgievski

۴- یافته‌ها

بررسی داده‌های جمع‌آوری شده نشانگر آن بود که میانگین سن دانشجویان مورد مطالعه در این تحقیق ۲۴/۵ سال می‌باشد که جوانترین آنها ۲۰ سال و مسن‌ترین آنها ۲۸ سال داشته‌اند. جنس اکثر پاسخگویان زن (۷۰/۱٪) بود و از نظر وضعیت تأهل اکثر پاسخگویان مجرد (۶۵٪) بودند. شغل پدر اکثر پاسخگویان در این تحقیق آزاد (۴۲٪) بود. تحصیلات پدر اکثر پاسخگویان در سطح فوق دیپلم و لیسانس (۲۸٪) بوده است. میانگین تعداد اعضای خانواده دانشجویان مورد مطالعه ۴ نفر می‌باشد. اکثر دانشجویان (۷۵٪) به غیر از تحصیل به شغل دیگری اشتغال نداشتند و تنها ۲۵ درصد به غیر از تحصیل شغل دیگری داشتند.

برای توزیع فراوانی میزان نیت کارآفرینانه دانشجویان مورد مطالعه، پس از جمع جبری گویه‌ها براساس فاصله انحراف معیار از میانگین یا معیار^{۱۶} (ISDM) استفاده شد (میرک زاده، علی آبادی، ۱۳۹۰).

در سطح ضعیف $D < M - 1/2SD$

در سطح متوسط $M - 1/2SD \leq D \leq M + 1/2SD$

در سطح خوب $D > M + 1/2SD$

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها بر حسب نمره

نیت کارآفرینانه دانشجویان پیام‌نور

درصد	فراوانی	نمره نیت کارآفرینانه
۲۰/۲۷	۷۵	ضعیف (کمتر از ۶۰)
۲۷/۲۷	۱۰۰	متوسط (بین ۶۱ تا ۶۶)
۵۲/۷۰	۱۹۵	زیاد (بالاتر از ۶۷)

در خصوص نیت کارآفرینانه دانشجویان مورد مطالعه ۲۵ گویه در نظر گرفته شده و با استفاده از طیف لیکرت از آنان خواسته شده تا به سؤالات طرح شده پاسخ دهند. که در نتیجه نیت کارآفرینانه حدود ۵۲ درصد از دانشجویان مورد مطالعه در حد زیاد بوده است. همچنین ۲۷/۵ درصد نیز دارای نیت کارآفرینانه متوسط و ۲۰/۵ درصد نیز دارای نیت کارآفرینانه ضعیف بوده‌اند. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان پیام‌نور دارای نیت کارآفرینانه متوسط به بالا هستند (جدول ۱).

داشت. آمد و دمیت^{۱۵} (۲۰۱۶) در پژوهش خود در بین دانشجویان نتیجه گرفتند که نگرش فردی، کنترل رفتاری درک‌شده و حمایت نسبی درک‌شده پیش‌بینی‌کننده‌های قصد کارآفرینانه دانشجویان هستند.

مدل رفتار برنامه‌ریزی شده آیزن در زمینه‌های گوناگونی به کار گرفته شده است و نسبت به مدل‌های دیگر، نیت کارآفرینانه را با جزئیات بیشتر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین تحقیق حاضر با هدف بررسی نیت کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی در دو دانشگاه بوعلی و پیام نور همدان صورت گرفته تا بتواند راهکارهایی جهت جلوگیری از هدر رفت سرمایه، نیرو و امکانات آموزشی دانشجویان ارائه دهد.

۳- روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی محسوب می‌شود و از نظر هدف از نوع کاربردی است؛ روش این تحقیق به لحاظ دستیابی به حقایق و داده‌پردازی، از نوع توصیفی - پیمایشی است با توجه به محدوده‌های تحقیق، طرح مورد استفاده در این مطالعه از نوع مقطعی بوده است. بر اساس جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱) حجم نمونه ۳۷۰ نفر برآورد شد که در این مطالعه ۳۷۰ پرسشنامه تکمیل گردید. حجم نمونه در این تحقیق را دانشجویان سال آخر رشته مهندسی کشاورزی مقطع کارشناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا و دانشگاه پیام‌نور همدان تشکیل می‌دهند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳ بخش و ۷۵ گویه بود. به منظور بررسی روایی ابزار تحقیق از نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا و پیام‌نور استفاده گردید و ضریب آلفای کرونباخ برای نیت کارآفرینانه ۰/۸۵ محاسبه گردید که بیانگر پایایی ابزار سنجش می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شد و در آمار توصیفی از آماره‌های میانگین، انحراف معیار و در آمار استنباطی از ضرایب همبستگی و آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد.

¹⁶. Interval of standard Deviation from Mean

¹⁵. Ambad and Damit

جدول ۳. ضرایب همبستگی و سطح معنی داری

ضریب همبستگی	سطح معنی داری	جنسیت
۰/۱۵۶	۰/۰۳۵*	سنسیت
۰/۱۰۹	۰/۱۵۱	سن
۰/۰۸۷	۰/۲۳۶	مقطع تحصیلی
۰/۰۸۲	۰/۳۵۱	معدل
-۰/۲۱	۰/۱۱۲	گرایش تحصیلی
۰/۱۲۱	۰/۰۳۲*	ریسک پذیری
۰/۲۵۶	۰/۰۱۲	استفاده از رسانه های انبوهی
۰/۳۰۹	۰/۰۰۰	میزان علاقه به کارآفرینی
۰/۱۸۷	۰/۰۲۱*	موانع اقتصادی
۰/۰۷۲	۰/۱۲۴	سواد پدر
-۰/۳۲۱	۰/۰۱۵	میزان درآمد
۰/۳۲۱	۰/۰۲۲*	وضعیت اشتغال

۵- مقایسه میانگین گروه‌ها

برای مقایسه میانگین های دو جامعه مستقل از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که بین میانگین نیت کارآفرینی دختران و پسران دانشجویان در سطح ۰/۰۱ درصد اختلاف معنی داری وجود دارد و با توجه به میانگین-ها مشخص شد که نیت کارآفرینی پسران بالاتر از دخترها می باشد. همچنین مشخص شد از لحاظ نوع دانشگاه نیز بین میانگین نیت کارآفرینی دانشجویان دانشگاه بوعلی و پیام نور تفاوت معنی داری وجود داشت، بطوریکه نیت کارآفرینی در دانشجویان پیام نور بیشتر بود (جدول ۴).

جدول ۴. مقایسه میانگین بین دو گروه پسر و دختر

متغیر مورد مطالعه	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری
نیت کارآفرینی	۷۱/۴۶	۱۲/۲۱	۰/۰۲۹
	۶۱/۲۷	۱۰/۲۳	

با استفاده از آزمون t مستقل، مندرج در جدول ۵، میانگین نیت کارآفرینانه (بین دو گروه دانشجویان بوعلی و پیام نور) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج گویای آن است که اختلاف معنی داری در سطح ۵ درصد بین دو گروه مذکور از نظر نیت کارآفرینی وجود دارد.

برای توزیع فراوانی میزان نیت کارآفرینانه دانشجویان مورد مطالعه، پس از جمع جبری گویه ها براساس فاصله انحراف معیار از میانگین استفاده شد (میرک زاده، علی آبادی، ۱۳۹۰).

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی ها بر حسب نمره

نیت کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه بوعلی

نمره رضایت شغلی	فراوانی	درصد
ضعیف (کمتر از ۶۰)	۸۹	۲۴/۰۵
متوسط (بین ۶۱ تا ۶۶)	۱۵۷	۴۲/۴۳
زیاد (بالاتر از ۶۷)	۱۲۴	۳۳/۵۱

در خصوص نیت کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه ۲۵ گویه در نظر گرفته شده و با استفاده از طیف لیکرت از آنان خواسته شده تا به سؤالات طرح شده پاسخ دهند. که در نتیجه نیت کارآفرینی حدود ۳۳ درصد از دانشجویان مورد مطالعه در حد زیاد بوده است. همچنین ۴۲ درصد نیز دارای نیت کارآفرینی متوسط و ۲۴/۵ درصد نیز دارای نیت کارآفرینی ضعیف بوده اند. در مجموع نتایج نشان می دهد که دانشجویان دانشگاه بوعلی دارای نیت کارآفرینی متوسط به پائین هستند (جدول ۲).

۴- بررسی رابطه بین متغیرهای فردی و نیت کارآفرینی

به منظور بررسی رابطه بین برخی متغیرهای فردی با متغیر وابسته یعنی نیت کارآفرینی دانشجویان به تناسب و بر حسب نوع متغیر از ضرایب همبستگی استفاده گردید. نتایج رابطه بین متغیرها در جدول ۳ آورده شده است. همان طور که در جدول مشاهده می شود بین متغیرهای فردی شامل سن، مقطع و گرایش تحصیلی و معدل دانشجویان با نیت کارآفرینی رابطه معنی داری وجود ندارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که داشتن نیت کارآفرینی به سن، مقطع و گرایش تحصیلی و معدل دانشگاهی دانشجویان مورد مطالعه بستگی ندارد و تنها بین جنسیت، وضعیت اشتغال دانشجویان، ریسک پذیری و موانع اقتصادی میزان درآمد با نیت کارآفرینی آن ها رابطه مثبت و معنی داری دیده می شود.

جدول ۵. مقایسه میانگین بین دو گروه دانشگاهی

متغیر مورد مطالعه	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری
نیت کارآفرینانه	۹۸/۴۶	۱۴/۵۸	۰/۰۱۱
	۸۲/۲۷	۱۰/۵۸	

به منظور بررسی و تعیین متغیرهای پیشگویی کننده نیت کارآفرینی با استفاده از مولفه‌های دموگرافیکی از تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شد (جدول ۶).

جدول ۶. متغیرهای پیش‌گویی کننده نیت کارآفرینی

متغیر	B	انحراف معیار	بتا	t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۴۶/۴۵۵	۶/۰۶	-	۷/۶۶۵	۰/۰۰۰
جنسیت	۰/۷۲۷	۰/۲۸۸	۰/۲۰۲	۲/۶۵۳	۰/۱۲۹
ریسک پذیری	۰/۸۶۲	۰/۲۵۲	۰/۲۵۲	۳/۰۱۷	۰/۰۱۳
میزان درآمد	۰/۶۶۴	۰/۲۷۴	۰/۲۱۲	۲/۶۵۳	۰/۰۱۲
وضعیت اشتغال	۰/۹۶۲	۰/۲۸۵	۰/۳۵۲	۳/۰۲۷	۰/۰۲۲
موانع اقتصادی	۰/۵۶۴	۰/۲۶۵	۰/۳۲۲	-۳/۶۵۳	-۰/۰۳۲
استفاده از رسانه های انبوهی	۰/۴۶۷	۰/۳۰۵	۰/۱۷۹	۱/۹۳۱	۰/۳۵۴
میزان علاقه به کارآفرینی	۰/۵۶۱	۰/۲۰۸	۰/۲۴۸	۴/۱۹۳	۰/۰۰۲

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در مجموع دانشجویان مورد مطالعه از نیت کارآفرینی بالایی برخوردارند. بنابراین از این مسأله می‌توان به عنوان زمینه‌ای مساعد برای اجرا و پیشبرد برنامه‌های مربوط به توسعه و آموزش‌های کارآفرینی برای دانشجویان استفاده کرد. همچنین نتایج نشان داد که پسران دانشجویان دارای روحیه کارآفرینی بیشتری می‌باشند. از سوی دیگر نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیرهای فردی شامل سن، مقطع و گرایش تحصیلی و معدل دانشجویان با روحیه کارآفرینی رابطه معنی داری وجود ندارد و تنها بین جنسیت، وضعیت اشتغال دانشجویان، ریسک‌پذیری و موانع اقتصادی، میزان علاقه، میزان درآمد با نیت کارآفرینی آنها رابطه مثبت و معنی داری دیده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که بین جنسیت دانشجویان مورد مطالعه و نیت کارآفرینی آنها رابطه معنی داری وجود ندارد. این مسأله با نتایج به دست آمده توسط پارایی (۱۳۸۳) همخوانی دارد که بیان نموده بین جنسیت و نیت کارآفرینی رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین طبق نتایج بین مقطع تحصیلی، گرایش تحصیلی و نیت کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی بوعلی سینا که در این تحقیق مشارکت داشتند رابطه معنی داری وجود ندارد. نتایج به دست آمده از تحقیق مشابه در دانشگاه تبریز توسط عادل ساردویی و همکاران (۱۳۸۸) خلاف این نتیجه را به دست آورده است. ولی نتایج به دست آمده در این تحقیق در مورد عدم وجود رابطه بین گرایش و مقطع تحصیلی دانشجویان و نیت کارآفرینی آنها با نتایج تحقیق مشابه در دانشگاه تبریز همخوانی و مطابقت دارد. علاوه نتایج نشان داد که بین موانع اقتصادی و نیت کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی - داری وجود دارد. بطوریکه هر چه مشکلات اقتصادی دانشجویان برای ایجاد یک فعالیت جدید بیشتر باشد تمایلش برای کارآفرینی کمتر می‌شود که می‌توان دلیل آن را کاهش در روحیه ریسک‌پذیری به دلیل نداشتن پشتوانه مالی مناسب و فراهم نبودن امکانات زیربنایی مانند زمین و ماشین‌آلات دانست. برخی نتایج به دست آمده در پژوهش پوراآتشی و مختارنیا (۱۳۸۸) نیز با این موضوع مطابقت دارد. آنها در پژوهش خود بیان کردند که از دیدگاه اعضای هیات علمی،

ضریب همبستگی چندگانه (R) در این تحلیل برابر ۰/۷۸ و ضریب تعیین (R^2) برابر ۰/۶۰ است که نشان می‌دهد متغیرهای همچون ریسک‌پذیری، میزان درآمد، وضعیت اشتغال، موانع اقتصادی و علاقه ۶۰ درصد از تغییرات نیت کارآفرینانه رو تبیین می‌کند.

کار آفرینی هستند که برنامه ریزان آموزشی می‌بایست بدان توجه نمایند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش می‌توان استنباط کرد که دانشجویان کشاورزی از پتانسیل مناسبی برای بروز رفتارهای کارآفرینانه برخوردارند. لذا می‌توان اذعان داشت که اگر پیش‌شرط‌های لازم برای بروز رفتار کارآفرینانه (ایجاد کسب و کار جدید) فراهم گردد، دانشجویان می‌توانند با کسب مهارت‌های کارآفرینانه در این راه پیشقدم شوند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر چارچوب و برنامه‌های آموزشی درسی دانشگاه در راستای ارتقاء ظرفیت‌های روانشناختی - انگیزشی و توانمندسازی دانشجویان از منظر مهارت‌های کارآفرینی بازنگری گردد، می‌تواند امیدبخش این موضوع باشد که دانشجویان در حین تحصیل و یا پس از فارغ التحصیلی به دنبال خلق فرصت-های کارآفرینانه باشند. همچنین می‌توان استنباط نمود که نیت کارآفرینانه دانشجویان تحت تأثیر مؤلفه‌های گوناگونی قرار می‌گیرد. برخی از این مؤلفه‌ها به زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه مربوط می‌شود که سهم عظیمی از آن بر عهده سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور می‌باشد. از جنبه دیگر می‌توان به ویژگی‌های انگیزشی و روانشناختی دانشجویان اشاره کرد. این بعد تحت تأثیر آموزش‌های عالی و اجتماعی قرار دارد که می‌توان با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت آن را ارتقاء داد. همچنین بعد دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، اقدامات و برنامه‌های متفاوت میان دانشگاه‌های مختلف می‌باشد چراکه یافته‌های این پژوهش حاکی از تفاوت نیت کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های مختلف بود. در پایان براساس نتایج موجود پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- دریافت وام و تسهیلات برای دانشجویان و فارغ التحصیلان می‌تواند تا حد زیادی دغدغه آنان برای فراهم نمودن امکانات لازم برای اجرای طرح‌های مورد نظرشان را کاهش دهد.

- لازم است نسبت به اجرای برنامه‌های آموزشی برای دانشجویان توسط مسئولین دانشکده و دانشگاه اقدامات لازم با جدیت بیشتری انجام پذیرد.

مهم‌ترین متغیرهای موثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی به ترتیب عبارت از داشتن انگیزه کافی، خلاقیت و نوآوری و تامین مالی بودند. در حالی که اگر دانشجویان کشاورزی از تسهیلات و اعتبارات بانکی استفاده نمایند احتمال افزایش انگیزه برای کارآفرینی در آنان بیشتر می‌شود. نلسون و اسکات (۱۹۹۷) نیز در خصوص اثرگذاری دریافت وام بر روحیه کارآفرینی به نتایج مشابهی دست یافتند. بین ریسک‌پذیری و روحیه کارآفرینی دانشجویان نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد. به طوریکه دانشجویان ریسک‌پذیر از انگیزه کارآفرینی بیشتری برخوردار هستند. این نتیجه با یافته‌های مطالعات شریف‌زاده و زمانی (۱۳۸۵) و همچنین هزارجریبی (۱۳۸۲) در زمینه ریسک نیز همسو می‌باشد. همچنین نتایج اولویت‌بندی دانشجویان از روش‌های توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها نشان داد که تشکیل گروه‌های تحقیقاتی جهت پژوهش‌های کارآفرینی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، شناسایی و معرفی کارآفرینان موفق، استفاده از اساتید خاص آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تشکیل کانون کارآفرینی در دانشگاه‌ها به ترتیب از مهمترین راهکارهای توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها می‌باشند. بنابراین اکثریت دانشجویان علاقه‌مند به شرکت در دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش کارآفرینی هستند. از طرف دیگر اکثر دانشجویان خواستار استفاده از اساتید خاص آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها هستند. این امر نشان‌دهنده اعتماد کم دانشجویان به آموزش کارآفرینی در دانشگاه و از طرف دیگر عدم رضایت نسبت به محتواها و برنامه‌های آموزش کارآفرینی است که در دانشگاه‌ها ارائه می‌شوند که این دوره‌ها و آموزش‌ها بیشتر غیر تخصصی و به صورت نظری هستند و اغلب توسط اساتیدی تدریس می‌شوند که تخصص کارآفرینی ندارند. همچنین بررسی‌ها در این پژوهش نشان داد که برگزاری دوره‌های تخصصی کارآفرینی متناسب با رشته تحصیلی دانشجویان، تاکید بر روش‌های آموزش عملی در دوره‌های کارآفرینی متناسب با محتوای برنامه‌های کارآفرینی با علاقه و نیاز دانشجویان افزایش اطلاعات و دانش دانشجویان نسبت به کارآفرینی از جمله موضوعات اولویت‌دار در روش‌های توسعه آموزش‌های

هم از دانشگاه بوعلی بیشتر بود که این خود جای پژوهش بیشتری دارد در انتخاب روش‌های آموزشی دوره‌های آموزش کارآفرینی از شیوه‌های عملی استفاده شده و حتی‌الامکان انتخاب محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی مطابق علایق و نیاز دانشجویان باشد. بر اساس اولویت‌های به دست آمده توصیه می‌شود جهت دوره‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها از مربیان یا اساتید با تجربه در زمینه آموزش‌های کارآفرینی استفاده شود. پیشنهاد می‌شود به منظور تقویت و توسعه فرهنگ کارآفرینی به طور ادواری سمینارهای علمی و کارگاه‌های تخصصی در سطح دانشگاه برگزار گردد و از کارآفرینان موفق نیز دعوت به عمل آید. به منظور ترغیب دانشجویان به موضوع کارآفرینی تشکیل گروه‌های تحقیقاتی پژوهش‌های کارآفرینی در برنامه‌ریزی‌های آتی دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی تبیین گردد. با توجه به اولویت قرار گرفتن موضوع تناسب با محتوای برنامه‌های کارآفرینی با علاقه و نیاز دانشجویان، تشکیل کمیته نیازسنجی علمی به منظور تعیین محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی با توجه به علاقه دانشجویان و نیازهای فعلی بخش کشاورزی پیشنهاد می‌شود.

کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال ۱۲، شماره ۲، ۹۱-۷۳.

۵. برومند نسب، محمد. (۱۳۸۱). بررسی رابطه‌ی ساده چندگانه وضعیت اجتماعی-اقتصادی، انگیزه‌ی پیشرفت، مخاطره‌پذیری، جایگاه مهار، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده‌ی علوم تربیتی.

۶. بهرامی، فضل‌اله و غلامحسین زمانی (۱۳۸۰). آموزش عالی کشاورزی، تنگناها و راهکارها، مجله‌ی ی‌جهاد، سال بیست و یکم، شماره ۲۴.

۷. پورآتشی، م. و مختارنیا، م. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه اعضای هیات علمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. مجله تحقیقات اقتصاد

- پیشنهاد می‌شود مسئولین دانشکده و دانشگاه نسبت به هدایت آموزش‌های تخصصی کارآفرینی برای رشته‌های مختلف کشاورزی و با استفاده از روش‌های عملی و کاربردی اقدام نمایند و از اساتید مجرب کارآفرینی در این زمینه استفاده نمایند.

- شایسته است که اعضای هیات علمی دانشگاه با موضوع کارآفرینی آشنایی بیشتری پیدا نموده و نظر ایشان به مفاهیم ایده‌پردازی در تدریس فرآیندهای آموزشی و پژوهشی جلب شود و کارگاه‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها جهت استفاده اساتید برگزار شود. دوره‌های تخصصی کارآفرینی متناسب با رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی دانشجویان در دانشگاه‌ها برگزار گردد.

- ضریب همبستگی چندگانه (R) در این تحلیل برابر $0/78$ و ضریب تعیین (R^2) برابر $0/60$ است که نشان می‌دهد متغیرهایی همچون ریسک‌پذیری، میزان درآمد، وضعیت اشتغال، موانع اقتصادی و علاقه 60 درصد از تغییرات نیت کارآفرینانه را تبیین می‌کند. این نشان می‌دهد که با گسترش این مولفه می‌توان امید داشت که نیت کارآفرینانه دانشجویان بالا برود همچنین بین نیت کارآفرینانه دانشجویان پسر با دانشجویان دختر اختلاف معناداری وجود داشت به طوری که پسران بیشتر در پی فعالیت‌های کارآفرینی هستند درمقابل نیت کارآفرینانه در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور

منابع

۱. آقاسی‌زاده. فتح‌اله (۱۳۸۵). اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی: الزام‌ها و راه کارها. مجموعه مقاله‌های همایش علمی آموزش کشاورزی کشور، انجمن ترویج و آموزش کشاورزی ایران. ص ۱۲۴.
۲. اسکندری، ف.، حسینی، م.، کلانتری، خ. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر عملکرد کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۴، شماره ۵۳، ۱۰۷-۱۳۴.
۳. بارانی، ش. (۱۳۸۸). واکاوی ادراک و انتظارات دانشجویان کشاورزی از اشتغال‌پذیری رشته‌های کشاورزی در دانشکده‌های غرب کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
۴. بدری، احسان، لیاقتدار، محمد جواد، عابدی، محمد رضا و جعفری، ابراهیم. (۱۳۸۵). بررسی قابلیت‌های

- کشاورزی و توسعه کشاورزی ایرا، ن جلد ۲، شماره ۲.
۸. پورداریانی، احمد. (۱۳۸۳). کارآفرینی. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم.
۹. پوررجب، پیمان. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های اساسی کارآفرینان و عوامل مؤثر بر کارآفرینی. کارآفرینان، سال ۴، شماره ۲۳، ۲۹-۲۴.
۱۰. جمشیدی فر، م.، خرمی، ش.، راحلی، ح. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی تبریز. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۳، ۶۴-۵۳.
۱۱. حسینی لرگانی، م.، میر عرب رضی، ر.، رضایی، س. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی در هزاره جدید؛ زیر ساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۰، ۱۳۷-۱۱۹.
۱۲. حسینی، م.، عزیزی، ب. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. علوم کشاورزی ایران. شماره ۲، ۲۵۱-۲۴۱.
۱۳. حسینی‌نیا، غ.، عطائی، پ. و یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۹۶). ارزیابی مهارت‌ها و ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان و تأثیر آن بر قصد کارآفرینی (مورد مطالعه: مراکز آموزش علمی- کاربردی مهارت). فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۹ (۷۳)، ۴۴-۲۵.
۱۴. خسروی پور، ب.، ایروانی، ه.، حسینی، م.، موحد محمدی، ح. (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل مولفه‌های آموزشی مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی. علوم کشاورزی ایران. شماره ۲، ۲۱۷-۲۰۷.
۱۵. دربان آستانه، علیرضا، قدیری معصوم، مجتبی و فیروزی، محمد علی. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین عملکرد سازمانی و مهارت‌های کارآفرینی مدیران محلی روستایی (مطالعه موردی دهیاران استان قزوین). پژوهش‌های روستایی، سال ۳، شماره ۱، ۵۹-۲۷.
۱۶. زالی، محمد رضا، مدهوشی، مهرداد و کردنائیج، اسدالله. (۱۳۸۶). ارزیابی مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه مازندران). فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی، ویژه نامه‌ی مدیریت، ۱۱۳-۸۱.
۱۷. زمانی، غلامحسین (۱۳۸۰). برآورد نیاز بخش عمومی برای نیروی متخصص در بخش کشاورزی، فصل نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه‌ی، سال نهم، شماره ۳۵، وزارت جهاد کشاورزی. صص ۳۴-۱۹.
۱۸. سلطانی، مرجانه (۱۳۷۷). تعاونی‌ها و فقرا، انتشارات اتحادیه‌ی تعاونی‌های مصرف کارکنان دولت در استان همدان، صص ۲۳-۱۵.
۱۹. شریف زاده، م.، زمانی، غ. (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه شیراز. علوم کشاورزی ایران. شماره ۱، ۱۱۵-۱۰۷.
۲۰. شهبازی، اسماعیل و امیرحسین علی بیگی (۱۳۸۵). تحلیل توقعات و انتظارات مدیران و کارفرمایان بخش کشاورزی از دانش‌آموختگان سطوح مختلف نظام آموزش کشاورزی. مجموعه‌ی مقاله‌های همایش علمی آموزش کشاورزی کشور، انجمن ترویج و آموزش کشاورزی ایران.
۲۱. صادقی، س.، عدلی، ف. (۱۳۸۹). رابطه‌ی جو نظام آموزش عالی و پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان. پژوهشنامه تربیتی، شماره ۲۲، ۹۰-۷۳.
۲۲. صفری شالی، رضا ورمضانی، مسعود (۱۳۸۱). ارزیابی تأثیر آموزش بر موفقیت، شرکت‌های تعاونی مرغداری. مجله‌ی علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ۶ و شماره ۲، ۲۳.
۲۳. عادل ساردویی، م.، ظریفیان، ش.، شریفی، ا.، احسانی، م.، و اکرمی، ا. ح. (۱۳۸۸، آذر). مقایسه قابلیت‌ها و روحیه کارآفرینی مقاطع مختلف تحصیلی دانشجویان کشاورزی. اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی.
۲۴. علی میری، م. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول. ۱۶۹-۱۳۳.
۲۵. علی‌آبادی، و.، عطائی، پ.، موحدی، ر. و خیاطی، م. (۱۳۹۶ الف). واکاوی کیفی الزامات و چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی. کارآفرینی در کشاورزی، ۴ (۳)، ۳۸-۲۵.

کرمانشاه. پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی. دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی.

۳۵. قوشچی، فرشاد. (۱۳۸۹). اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی، آرزوی ممکن یا ممکن؟. ماهنامه کشاورزی و توسعه‌ی پایدار، شماره ۳۲، ۱۴-۱۲.

۳۶. کلانتری، صمد، ربانی، رسول و هزار جریبی، جعفر. (۱۳۸۳). بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان در عرصه‌ی نشریات و مطبوعات. نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۳، ۱۸۹-۱۷۱.

۳۷. مداح، مجید (۱۳۸۷). آموزش عالی کارآفرینی رشد اقتصادی-ارایه‌ی یک مدل نظری و تحلیل تجربی کار و جامعه‌ی. ماه نامه‌ی اجتماعی اقتصادی علمی و فرهنگی شماره ۱۰۱.

۳۸. موحدی، رضا، یعقوبی، احمد، خداوردیان، محمد رضا، زارعی، شهرام. (۱۳۸۹). بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و شیوه‌های بهبود آموزش کارآفرینی. ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۳، ۸۱-۶۵.

۳۹. مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). دفتر سرشماری‌های جمعیت. نیروی کار، به نشانی: www.amar.org.ir

۴۰. محمدی، حمید رضا، احمدی، عبادالله، شایان چهارمی، شاپور امین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی با تمایل به کارآفرینی. فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره‌ی اول، ۱۲۰-۹۹.

۴۱. مرادی، حوریه، بیژنی، مسعود، کرمی، غلامحسین و فلاح حقیقی، نگین. (۱۳۹۱). ارزیابی مقایسه‌ای ویژگی‌های روانشناختی مؤثر بر نگرش‌های کارآفرینانه در دانشجویان مهندسی کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان). فصلنامه‌ی آموزش مهندسی ایران، سال ۱۴، شماره ۵۳، ۸۱-۶۵.

۴۲. مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۶). بررسی اعتبار پارادایم‌های شخصیتی در مطالعه و پیش‌بینی کارآفرینی. دو ماهنامه‌ی علمی-پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال ۱۴، دوره جدید، شماره ۲۳، ۶۴-۵۳.

۴۳. مقیمی، سید محمد. (۱۳۸۲). کارآفرینی اجتماعی. فصلنامه رهیافت، ۲۹، ۴۹-۵۹.

۲۶. علی‌آبادی، و.، عطائی، پ. و موحدی، ر. (۱۳۹۶). کاربرد تحلیل محتوای تلخیصی در الگوسازی مفهومی شایستگی‌های کارآفرینی موردنیاز زنان روستایی. کارآفرینی در کشاورزی، ۴(۴)، ۴۸-۳۷.

۲۷. علی‌آبادی، و.، عطائی، پ. و موحدی، ر. (۱۳۹۵الف). بررسی تأثیر تفکر استراتژیک و سرمایه اجتماعی بر تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه در بین جوانان روستایی. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۵(۲)، ۱۱۰-۹۵.

۲۸. علی‌آبادی، و.، موحدی، ر.، سعدی، ح. و عطائی، پ. (۱۳۹۵ب). الگوسازی مفهومی شایستگی‌های مورد نیاز زنان کارآفرین روستایی. راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۳(۵)، ۵۶-۴۷.

۲۹. غفاری، هادی. (۱۳۸۷). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور اراک. همایش ملی توسعه‌ی کارآفرینی در آموزش‌های علمی- کاربردی کشاورزی، مشهد: مؤسسه‌ی آموزش عالی علمی- کاربردی جهاد کشاورزی.

۳۰. غیائی، عبدالرحیم. (۱۳۹۵). تأثیر باور به خودکارآمدی و نگرش کارآفرینی با قصد کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۳۹، ۱۵-۳.

۳۱. فرشاد، سیامک، فتحیان، محمد، ابراهیمی، بابک و نالچگیر، سروش. (۱۳۸۷). مراکز رشد مجازی: ابزاری در راستای توسعه‌ی کارآفرینی دانشگاه‌ها. فصلنامه‌ی آموزش مهندسی ایران، سال ۱۰، شماره ۳۷، ۱۲۴-۱۰۱.

۳۲. فیض، داود و صفایی، میلاد. (۱۳۸۸). ارزیابی و مقایسه‌ی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه سمنان. فصلنامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران، سال ۲، شماره ۲، ۱۵۹-۱۳۷.

۳۳. قاسمی، ج.، اسدی، ع.، حسینی نیا، غ. (۱۳۸۸). بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره ۲، ۷۹-۷۱.

۳۴. قمبر علی، ر.، زرافشانی، ک. (۱۳۸۷). شناسایی شاخص‌های موفقیت و نظام ارزشی کارآفرینان روستایی شهرستان

doi:https://doi.org/10.1016/S2212-5671(16)30100-9

53.Barba-Sánchez, V., & Atienza-Sahuquillo, C. (2018). Entrepreneurial intention among engineering students: The role of entrepreneurship education. *European Research on Management and Business Economics*, 24(1), 53-61. doi:https://doi.org/10.1016/j.iedeen.2017.04.001

54.Bellu, R. R and Sherman, H. (1995). Predicting Firm Success from Task Motivation and Attribution Style. *A Longitude Study. Entrepreneurship regional development*, Vol 7, No 4, 63- 349.

55.Connolly, P.M.(1986). *Entrepreneurs in corporations. Work in America Institute, Inc.*

56.Digman, J., M. (2002). Personality stature, emergence of the five factor model *Annu. Rev.psychol.*

57.Do, B.-R., & Dadvari, A. (2017). The influence of the dark triad on the relationship between entrepreneurial attitude orientation and entrepreneurial intention: A study among students in Taiwan University. *Asia Pacific Management Review*, 22(4), 185-191.

doi:https://doi.org/10.1016/j.apmr.2017.07.011.

58.Donnellon, A., Ollila, S. and Williams Middleton, K. (2014). Constructing entrepreneurial identity in entrepreneurship education. *The International Journal of Management Education*, 12, 490-499.

59.Henley, A. (2007) From entrepreneurial aspiration and transition to business start up: evidence from British longitudinal data. *Entrepreneurship and Regional Development*, 19(3), 253-280.

60.Hood, N and Young, J. E. (1993). Entrepreneurship's area's of development: a survey of Top Executives in successful Firm. *Journal of Business Venturing*, vol 8, No 2, 115- 135.

۴۴. موسیوند، م.، صفایی شکیب، ع.، عطائی، پ. و عبدالملکی، ب. (۱۳۹۵). تحلیل تأثیر مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی بر تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان همدان. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۶(۲۳)، ۶۴-۵۵.

۴۵. موسیوند، م.، حمیدی جاهد، م.، عطائی، پ. و صفایی شکیب، ع. (۱۳۹۶). تاثیر عوامل درون‌دانشگاهی در توسعه فرهنگ کارآفرینانه در بین دانشجویان کشاورزی دانشگاه‌های همدان. *مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۶(۱)، ۲۰۶-۱۸۵.

۴۶. میرزا محمدی، م. ح؛ امیری، م؛ پورطهماسبی، س (۱۳۸۷). بررسی موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد از نظر اعضای هیئت علمی در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶. *نامه آموزش عالی*، دوره‌ی جدید، (۱) ۴۰۳۳-۵۰.

۴۷. نیک یار، سید طهماسب (۱۳۸۴). عامل‌های موفقیت بخش تعاون در ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان بیکار. *مجموعه‌ی مقاله‌های منتخب کنفرانس تعاون، اشتغال، توسعه‌ی وزارت تعاون*، جلد سوم، قسمت (ص - د).

۴۸. وطن‌خواه، ن. و رضائی مقدم، ک. (۱۳۹۴). شناخت روحیه کارآفرینی دانشجویان: مورد مطالعه دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۱، شماره ۱، صص ۷۱-۵۹.

۴۹. هزار جریبی، ج. (۱۳۸۲). بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران. *رساله دکتری رشته علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان*.

۵۰. یارایی، ع. (۱۳۸۳). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه شیراز*.

51.Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50, 179- 211.

52.Ambad, S. N. A., & Damit, D. H. D. A. (2016). Determinants of Entrepreneurial Intention Among Undergraduate Students in Malaysia. *Procedia Economics and Finance*, 37, 108-114.

65. Miner, J. B., Smith, N, R and Bracker, J. S. (1992). Predicting Firm Survival from Knowledge of entrepreneur Task Motivation in the growth of technologically innovation firms, interpretations regional development, vol 4, 53- 145.
66. Moriano, J. A. & Gorgievski, M. (2007). Psychology of Entrepreneurship: Research and Education. Universidad national education a distancia (UNED) Madrid.
67. Nelson, R. E., & Scott. D. J. (1997). Entrepreneurship education as a strategic approach to economic growth in Kenya. *Journal of Industrial Teacher Education*, 35(1), 90-108.
61. Jarvis, k., Renner, A., Shook, R., Smith, S.(1991). Entrepreneurship Classroom Note, University Alberta Kanada.
62. Kautonen, T., van Gelderen, M., and Fink, M. (2015). Robustness of the theory of planned behavior in predicting entrepreneurial intentions and actions. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 39(3), 655–674.
63. Landstrom, Hans. (2005). *Pioneers in Entrepreneurship and Small Business Research* New York: Springer.
64. Lober, D. (1998). Pollution Pervation as corporate entrepreneurship, *Journal of organizational change management* , Vol.11 , No.1, 26-37.

